

## مرجعیت زبان فارسی؛ راهبرد عزتمندی انسان در جامعه ایرانی - اسلامی

### با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

روح اله ابراهیمی<sup>۱</sup>، مهدی رضازاده قرآن<sup>۲</sup>

اولین همایش بین المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

### چکیده

آگاهی از داشته‌ها احساس خودباوری و اعتماد به نفس انسان را تقویت می‌کند. خودباوری در مرتبه بالای خود ایجاد عزت و استقلال می‌کند. انسان طالب عزتمندی و استقلال است. دین اسلام برای عزت و اعتبار هر مسلمان ارزش قائل است و سلطه‌پذیری و خودباختگی و ادادگی در مقابل کفار و بیگانگان را مذموم می‌شمارد.

انقلاب اسلامی طلوع کرد تا عزت و شرافت لکه‌دار شده ایرانیان مسلمان را بهبود بخشد و عظمت و شکوه قرن‌های ازدست‌رفته‌ای را که تمدن ایرانی-اسلامی طلایه‌دار آن بود دوباره احیا کند. اصلی‌ترین شعار برای بازیافت عزت انسان ایرانی، باور «ما می‌توانیم» بود و این همان «خودآگاهی» است که نویدبخش «عزت» است.

انقلاب اسلامی موتور پیش‌ران علمی کشور شد و تلاش کرد حقارت ناشی از وابستگی علمی را به سروری و آقایی علم در جهان مبدل سازد. گام‌های موفق در تولید و پیشرفت علم تحسین دشمنان و بدخواهان را هم برانگیخت.

رهبر حکیم و فرزانه انقلاب به مناسبت‌های گوناگون و مکرر بر تولید دانش بومی، مرجعیت و پیشرفت علمی تأکید داشتند و دارند. دورنمایی که ایشان ترسیم می‌کنند رسیدن به نقطه‌ای است که دیگران برای آموختن دانش نو ایرانی، مجبور به فراگرفتن زبان فارسی باشند و این یعنی رسیدن به مرجعیت علمی و مرجعیت زبانی.

اقتدار علمی منجر به عزت علمی می‌شود و عزت علمی مقدمه مرجعیت علمی است و مرجعیت علمی مرجعیت زبان فارسی را به همراه خواهد داشت و حلقه‌های پیوسته این زنجیره، در صورت هماهنگی و ارائه عملکرد مطلوب، عزتمندی انسان را که مطلوب اسلام و قرآن است رقم خواهند زد.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران و پژوهشگر دانشکده شهید محلاتی  
۲. استادیار زبان و ادب فارسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی



خودباوری، امید، پشتکار، اعتقاد به اصل عزتمندی و استقلال انسان، توجه به داشته‌های علمی و... مؤلفه‌های مندرج در بیانیه گام دوم انقلاب است. همه این موارد از اصول و شروط لازم برای تحقق مرجعیت علمی و مرجعیت زبان فارسی هستند.

این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی امکان عزتمندی انسان در پرتو مرجعیت زبان فارسی پرداخته و در اثبات تحقیق، همواره به بیانیه گام دوم توجه کرده است.

## واژگان کلیدی

علم، زبان فارسی، عزت، انسان، مرجعیت علمی، مرجعیت زبان فارسی.

## مقدمه

دین مبین اسلام برای عزت و شرافت انسان مسلمان، اعتبار فراوانی قائل بوده و خواری و خودباختگی و ذلت در این آیین آسمانی نکوهش شده است. پرچم‌داری فرهنگ گران‌سنگ اسلامی طی قرون متمادی و حمل موارث کهن تمدن بشری، زبان فارسی را نماد عزت و هویت هر ایرانی مسلمان ساخته است. این زبان نه تنها در زمینه شعر و ادبیات بر تارک ادب گیتی می‌درخشد، بلکه پیشینه زبان فارسی در عرصه علم و دانش نیز درخشان و تابنده است. راهبرد، هنر ارزش آفریدن برای نیل به هدف است. به مرجعیت رساندن زبان فارسی ایجاد ارزش است برای رسیدن به هدفی بزرگ یعنی عزتمندی انسان در جامعه ایرانی-اسلامی که هدف اصلی این جامعه عزتمند، ایجاد تمدن نوین اسلامی به‌عنوان ارزشی والا و مقدمه ظهور خورشید ولایت عظمی ارواحنا فداه است.

زبان و ادبیات فارسی با توجه به ظرفیت و گنجایشی که دارد از گذشته‌های دور حامل موارث فرهنگی و تمدنی بشر بوده و گستره نفوذ آن، روزگاری قسطنطنیه تا شبه‌قاره هند را دربرمی‌گرفته است. این زبان یک بار از آزمون جهانی شدن سربلند بیرون آمده و با لحاظ اعتمادبه‌نفس و خودباوری، تجدید این تجربه گران‌بها که با توطئه‌های استعماری و استکباری و خودباختگی حکام واداده و خودکامه به خاموشی گراییده، این بار در عرصه علم و در ابعادی فراتر از گذشته امکان‌پذیر است.

به مرجعیت رساندن زبان فارسی در راستای عزتمندی انسان، از راه‌های گوناگون محقق



می‌شود که یکی از اصلی‌ترین آنها، دستیابی به مرجعیت علمی است. مرجعیت علمی، هم راهبردی برای خلق مرجعیت زبان فارسی به‌عنوان یک هدف است و هم به‌خودی‌خود عامل نیل به عزتمندی انسان است. بنابراین مرجعیت علمی مقدمه‌ای واجب و لازم برای مرجعیت زبانی است که عدم تحقق آن یعنی عدم دستیابی به مرجعیت زبانی.

رسیدن به مرجعیت علمی الزاماتی دارد که مهم‌ترین آنها توجه به ارزش علم، عزت علمی، پیشرفت و تولید علم است. پس از تحقق الزامات یادشده، مرجعیت علمی محقق، و به دنبال آن نتیجه نهایی که مرجعیت زبان فارسی است حاصل خواهد شد. مرجعیت زبان فارسی با توجه به شاخصه‌های هویتی و ظرفیت‌های درونی این زبان، احساس عزت و کرامت و سربلندی هر ایرانی مسلمان را بر خواهد انگیخت؛ زیرا در این مرحله روی آوردن دیگران به زبان فارسی، فراتر از جنبه ادبی که علاقه‌مندان خاص خود را در دنیا دارد، نیاز و ضرورتی برای دسترسی به تازه‌های علمی مورد نیاز جامعه بشری است و این یعنی راهبردی به عزتمندی هر ایرانی مسلمان.

### ارزش علم در اسلام و ایران

علم ریشه در غریزه حقیقت‌جویی انسان دارد و بشر به‌صورت ذاتی حقیقت‌خواه است. ماده علم در قرآن ۸۵۴ بار به‌کار رفته که نیمی از این کاربردها فعلی است: ۳۸۲ بار ثلاثی مجرد، ۴۲ بار باب تفعیل، ۲ بار باب تفعّل (کرمانی، ۱۳۹۱: ۷۱). برتری دانایان نسبت به نادانان (زمر: ۴)، بالا بردن رتبه عالمان (مجادله: ۱۱) و پیوند تعقل و اندیشه‌ورزی با علم (عنکبوت: ۴۳) و آیات فراوان دیگر، در کنار توصیه‌های پیشوایان دینی بر فضیلت علم‌آموزی و خردورزی و ارزش‌گذاری انسان با معیار و محک علم و دانایی، نشان از اهتمام اسلام و آموزه‌های دینی به فضیلت علم و دانش است؛ به‌گونه‌ای که امام علی(ع) می‌فرماید: «دانش و خرد از ارزش انسان خبر می‌دهند» (ری‌شهری، ۱۳۷۸: ۵۷).

امام علی(ع) علوم را به چهار دسته علم فقه، طب، نحو و نجوم تقسیم فرموده‌اند: «الْعُلُومُ أَرْبَعَةٌ الْفِقْهُ لِلْأَدْيَانِ وَالطَّبُّ لِلْأَبْدَانِ وَالنَّحْوُ لِللِّسَانِ وَالنُّجُومُ لِمَعْرِفَةِ الْأَزْمَانِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۲۱۸). امام کاظم(ع) نیز این دسته‌بندی را به گونه‌ای دیگر بیان فرموده‌اند: «وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ فِي أَرْبَعٍ أَوْلَاهَا أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ وَالثَّانِيَةَ أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ وَالثَّلَاثَةَ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ



وَالرَّابِعَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ» (همان، ج ۷۵: ۳۲۸): خداشناسی، شناخت صنایع، شناخت آنچه خداوند از انسان می‌خواهد و شناخت آنچه آدمی را از دین خارج می‌سازد.

علم، یا هدف است یا مقدمه‌دستیابی به هدف. آنجا که هدف است، فراگیری آن هم واجب است، مثل آموختن اصول عقاید و آنجا که مقدمه‌دستیابی به هدفی از اهداف اسلام است، از باب اینکه مقدمه‌هدفی واجب واقع شده، از وجوب برخوردار می‌شود. به‌عنوان مثال دانش هسته‌ای و کاربرد صلح‌آمیز آن برای مصارف سوخت و پزشکی مقدمه‌اهداف واجبی مثل سلامت امت اسلامی و نفی سلطه‌کفار و بیگانگان است. تلاش برای دستیابی به این دانش‌ها از باب مقدمه‌واجب، واجب است. به بیان دیگر در نوع اول، علم واجبی عینی و در گونه‌دوم واجب کفایی است.

شهید مطهری درباره «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ» می‌گویند:

«بعضی علم‌ها واجب عینی است و آموختن آن بر هر فردی واجب است مثل معرفت الله و بعضی علم‌ها واجب کفایی است و به اعتبار اینکه مقدمه‌یک واجب است، آموختن آنها واجب است و اینکه برخی می‌گویند این علمی که واجب است فقط و فقط به علوم دینی یعنی علمی که موضوع آن مسائل دینی است اختصاص دارد، سخن درستی نیست. آموختن خود دین واجب عینی است، لیکن آموختن چیزی که انسان به وسیله آن بخواهد وظیفه‌دینی‌اش را انجام دهد، علم دیگری است» (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۲-۲۷).

در اسلام به علم و دانش تأکید شده و درنوردیدن مرزهای جغرافیایی برای دستیابی به علم، فارغ از آیین و مسلک مالکان علوم، سفارش این آیین آسمانی است. پیامبر مکر اسلام (ص) می‌فرماید: «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْلِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ (ری شهری، ۱۳۷۸: ۳۹۸)؛ علم را بجوید اگرچه در چین باشد؛ زیرا طلب علم بر هر مسلمانی واجب است.» امام صادق (ع) هم می‌فرماید: «لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَلَوْ بِسَفْكِ الْمُهْجِ وَخَوْضِ اللَّجَجِ (عوالی اللثالی، ۱۴۰۵ق، ج ۴: ۶۱)؛ اگر مردم می‌دانستند که علم چه فوایدی دارد، در جست‌وجوی آن برمی‌آمدند اگرچه در راه آن خون بریزند و در ژرفای دریاها فرو روند.»

پیامبر اسلام (ص) جوینده‌دانش را «رکن اسلام» خوانده‌اند: «طَالِبُ الْعِلْمِ رُكْنُ الْإِسْلَامِ» (پاینده، ۱۳۸۲: ۵۵۵) و اندکی دانش را برتر از بسیاری از عبادات دانسته‌اند: «قَلِيلُ الْعِلْمِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعِبَادَةِ» (شهید ثانی، ۱۴۰۹ق: ۹۹).



مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«علم و معرفت در نظامی که پیامبر اسلام (ص) بنیان نهاد از چنان قدر و منزلتی برخوردار بود که تا قرن‌ها بعد زمینه‌ساز رشد علمی مسلمانان در شاخه‌های گوناگون علم و دانش شد. این ارج‌گذاری به علم محدود به معارف الهی نبود و شناخت طبیعت را نیز در برمی‌گرفت. همین تکریم علم و عالم در اسلام بود که اوج تمدن اسلامی در قرن چهارم را رقم زد» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران نظام در عید فطر در تاریخ ۱۳۷۲/۱/۴).

باتوجه به آنچه بیان شد، اسلام از همان ابتدا موضعی ارزش‌مدارانه و دوستانه با علم و دانش داشته و همواره بر کسب علم اگرچه با محنت و سختی همراه باشد، تأکید کرده است؛ به‌گونه‌ای که در این راه محدودیت‌های مکانی و زمانی نیز نباید مانع فتح قله‌های دانایی باشند. فراتر از آن، یادگیری و شاگردی علم از غیر مسلمان هم ایرادی ندارد. این دیدگاه اسلام، دقیقاً برعکس نگاه کلیسای سده‌های میانه به علم است که یافته‌های تجربی متضاد با مبانی کشیشان، تقابل و تضاد و سرانجام جدایی کلیسا و علوم جدید را رقم زد.

نکته مهم این است که در قرون وسطا، یعنی عصری که از دیدگاه خود اروپاییان هم منفور و تاریک قلمداد می‌شود، علم و دانش در ایران و کشورهای اسلامی در اوج و شکوه قرار داشت و بزرگانی مثل ابن سینا، ابوریحان، محمد بن زکریا، حکیم عمر خیام و ده‌ها دانشمند و عالم در رشته‌های گوناگون علمی و ادبی و پزشکی با آثاری گران‌بها و ارزشمند محصول این دوره‌اند.

در ایران پیش از اسلام، برخی دانش‌ها مثل ادبیات، نجوم، فلسفه، ریاضیات، پزشکی، جغرافیا، علوم فنی، شیمی و آموزش و پرورش رواج داشتند. کتاب‌هایی مثل *شکند گمانیگ* و *زرا، پُسن دانشن گامگ* و *گجستگ ابالیش* در فلسفه، *زیج شهریاران* و *وزیدگ* به معنای *گزیده در نجوم*، و *تنگلوش* یا *تنگلوشا* در هیئت و نجوم (تفضلی، ۱۳۸۹: ۱۶۴-۱۵۹ و ۳۱۷-۳۱۹) نمونه‌ای از تلاش علمی ایرانیان پیش از اسلام است که پس از اسلام و باتوجه به دیدگاهی که این آیین آسمانی درباره علم و دانش داشت ادامه و رونق یافت.

مقام معظم رهبری ضمن اشاره به سابقه هزارساله همزیستی علم و دین در ایران، بزرگانی مثل ابن سینا را که هنوز کتاب طب او به‌عنوان کتاب زنده علمی مطرح است و برخی کارها در تاریخچه علم به نام او ثبت شده و علمای دیگری همچون محمد بن زکریای رازی و

ابوریحان بیرونی را در زمره دانشمندان و مخترعان و مکتشفان دنیای اسلام و جزو علمای بالله و صاحبان دین و متفکران دینی معرفی می‌کنند (روشنای علم، ۱۳۹۰: ۱۷۷).

نتیجه اینکه اسلام دینی کاملاً سازگار با علم است و تأملی در پیشینه اسلام و علم این ادعا را اثبات می‌کند. مقام معظم رهبری معتقدند:

«برخی با اغراض سیاسی می‌کوشند علم‌گرایی و دین‌گرایی را ناسازگار بنمایانند و عده‌ای نیز بی‌غرض با ایشان هم‌نوا شده‌اند؛ اما اسلامی که ما پیرو آن هستیم به علم فرامی‌خواند و عامل اصلی پرچمداری علمی مسلمین در دنیا اهتمام اسلام به علم و دانش بوده است. قریب به سه قرن از فارابی تا خواجه نصیر، مشعل علم در بالاترین سطح آن در دست مسلمانان بود. آن عاملی که این نشاط و اوج علمی را پدید آورد، دین اسلام بود» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای گروه دانش صدای جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۱۵).

### عزت و اقتدار علمی؛ مقدمه عزت ملی

از دیدگاه قرآن عزت از آن خداست: «مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر: ۱۰) و از جانب اوست که عزت به رسول و مؤمنان هم اختصاص می‌یابد: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸). امام علی (ع) می‌فرماید: «الْعِلْمُ عِزٌّ تَمِيمٌ آمِدِي، ۱۳۶۶: ۴۲»؛ علم و دانایی عزت است. «همچنین در کلام دیگری می‌فرماید: «لَا عِزَّ أَشْرَفَ مِنَ الْعِلْمِ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۵۳۱)؛ عزتی شریف‌تر از علم نیست.»

در بحار الانوار بیان شده که بر نگین انگشتر امام باقر (ع) که در عصر خویش، مرجع و نماد علمی و مروج تولید و پیشرفت علم بوده‌اند جمله «العزّه لله» نقش بسته بود: «كَانَ نَقْشُ خَاتَمِ أَبِي جَعْفَرٍ الْعِزَّةَ لِلَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۶: ۲۲۲). در پاورقی صفحه ۲۲۳ همین کتاب به نقل از حلیه الاولیاء به جای «العزّه»، «القوه» آمده است: «عن أبي عبد الله كان في خاتم أبي: القوه لله جميعا.» در محور جایگزینی این دو واژه می‌توان به خاستگاه «عزت» و «قوت» و نسبت آنها با یکدیگر اشاره کرد.

عزتمندی نزد ایرانیان جایگاه شایسته‌ای دارد؛ به‌گونه‌ای که حنظله بادغیسی (متوفای ۲۱۹ق)، نخستین یا یکی از نخستین شعرای پارسی‌گوی، چنین سروده است:

مهرتری گر به کام شیر در است شو خطر کن ز کام شیر بجوی



یا بزرگی و عز و نعمت و جاه یا چو مردانت مرگ رویاروی (سعادت، ۱۳۸۶، ج ۲: ۷۵۸) علم قدرت و اقتدار می‌آورد و داشتن قدرت و اقتدار یعنی عزت‌مندی. رهبر معظم انقلاب یکی از شاخصه‌های عزت را علم می‌داند و پیوسته بر عزت علمی به‌عنوان مقدمه عزت ملی تأکید می‌کنند و در بیان انتظارات خود از دانشگاه به‌عنوان یکی از مراکز تولید علم، علم و تحقیق را مایه حیات و عزت جامعه می‌دانند: «عزت علمی به دنبال خودعزت اقتصادی، عزت سیاسی، عزت بین‌المللی را می‌آورد» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان دانشگاه علم و صنعت در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۲۴، دسترسی در: [http://farsi.khamenei.ir/speech-\(content?id=4992](http://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=4992)).

در مواجهه با «علم» دو حالت وجود دارد: یا باید به مرجعیت برسیم و زبردست باشیم و صاحب عزت و اقتدار، یا باید جیره‌خوار سفره علمی دیگران باشیم و زیردست، که دومی با شمول آیه نفی سبیل و اصل حفظ عزت و کرامت انسان مسلمان مطابقت ندارد:

«الْعِلْمُ سُلْطَانٌ.» «سلطان» یعنی اقتدار. علم اقتدار است. هر کسی که آن را داشته باشد «صَالٌّ»، یعنی دست قدرتمند را خواهد داشت؛ هرکس که آن را نداشته باشد «صِیْلٌ عَلَیْهِ»، یعنی دست قدرتمندی بر سر او خواهد آمد؛ یعنی زیردست خواهد شد. این علم [است]. امروز شما این را مشاهده می‌کنید: امریکایی‌ها و اروپایی‌ها به‌خاطر علمی که تحصیل کرده‌اند، توانسته‌اند همه دنیا را تصرف کنند. شما می‌دانید امریکا، انگلیس، فرانسه و بسیاری از کشورهای اروپایی حتی کشورهای کوچک سال‌های متمادی، بعضی‌شان قرن‌ها، توانستند کشورهای را تصرف کنند، هستی‌های آنها را به باد بدهند و نابودشان کنند. بر ملت‌ها اقتدار پیدا کردند و مسلط شدند، به‌خاطر علم؛ دنبال علم بودند. ما غفلت کردیم، از قافله علم عقب ماندیم، با آن سابقه تاریخی، با این استعداد درخشان؛ [اما] دیگران جلو افتادند. ما باید این را جبران کنیم» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با نخبگان جوان علمی در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۲۶).

با اقتدار علمی می‌توان در اندیشه و فرهنگ دیگران هم نفوذ کرد. استکبار با قدرت و سلطه علمی، زمینه رخنه فرهنگی را فراهم کرد. وابستگی علمی وابستگی فرهنگی و از خودباختگی هویتی را به‌ارمغان می‌آورد.



نبود اقتدار علمی یعنی تداوم آسیب‌پذیری فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و به فرموده رهبر معظم انقلاب، «اگر از لحاظ علمی پیشرفت نکنیم، تهدید دشمنان تمدنی ما و دشمنان فرهنگی و سیاسی ما، تهدید دائمی خواهد بود. آن وقتی این تهدید متوقف می‌شود یا خطرش کم می‌شود که ما از لحاظ علمی پیشرفت کنیم» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با نخبگان و استعداد‌های برتر علمی در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۲۵).

عزتمندی یعنی معرفت انسان به توانمندی‌های خویش. درباره جامعه نیز آگاهی اعضای جامعه از داشته‌ها و توانمندی‌های خود منجر به احساس عزت جمعی می‌شود. اعتماد به نفس فردی و جمعی در عرصه تولید و پیشرفت علم، عزت علمی را رقم می‌زند و عزت علمی به عزت ملی منجر می‌شود. این مسئله درباره زبان فارسی نیز مصداق دارد.

اعتماد به نفس درباره قابلیت‌های زبان فارسی مولدان علم را بر استفاده از این زبان برای معرفی یافته‌های علمی خود به دنیا تحریض و تشویق می‌کند و پس از اینکه علم به زبان فارسی تولید شد، اقتدار علمی کامل می‌شود و دیگران برای دسترسی به اکتشافات و یافته‌های علمی دانشمندان ایرانی، ناچار از فراگیری زبان فارسی خواهند بود، و این همان عزتمندی حاصل از مرجعیت علمی و مرجعیت زبانی است. عزت علمی یعنی معرفت به توانمندی‌ها که اعتماد به نفس آحاد جامعه به خصوص اهل علم و تحقیق را احیا می‌کنند و مسیر دستیابی به عزتمندی در مرجعیت علمی را هموار می‌سازند:

«عزت ملی در عرصه علم به این است که جوان دانشجوی او، پژوهشگر او، عالم محقق او سعی کند مرزهای علم را درنوردد، همین چیزی که ما گفتیم نهضت نرم‌افزاری و تولید علم، و علم را تولید کند. آن کسانی که دانش را به این نقطه رساندند، انسان‌هایی بودند که از لحاظ متوسط استعداد از ما اگر عقب‌تر نبودند، جلوتر نبودند. ما قرن‌ها سابقه درخشان علمی در تاریخ داریم و امروز هم باید بتوانیم علم را بسازیم، به وجود بیاوریم، کشف کنیم و در بنای علمی دنیا سهم عمده‌ای داشته باشیم. این می‌شود عزت» (بیانات امام خامنه‌ای در مراسم بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۱۴، دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7089>).

حرکت علمی به‌عنوان ضرورت و نیاز مؤکد و مضاعف، دارایی علمی یا تهی دست نبودن در علم، پیشرفت و فراگیری علم، از عوامل مؤثر در عزت علمی هستند که در صورت





تحقق، عزت ملی را رقم خواهند زد و در صورت محقق نشدن، توقع استقلال و هویت و شخصیت و رفاه داشتن سرایی بیش نخواهد بود. بنابراین «در سیاست‌های کلان و سیاست‌های اجرایی باید پیشرفت و رشد علمی کشور، برنامه قطعی و حتمی به حساب بیاید و ملاحظه شود» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با نخبگان در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۱۲، دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3399>).

### مرجعیت علمی؛ مقدمه مرجعیت زبان فارسی

مرجعیت علمی یعنی رسیدن به نقطه‌ای که دیگران برای دستیابی به علم و دانش ایرانی، ناچار از فراگیری زبان فارسی باشند؛ همان‌گونه که امروز برای دسترسی به جدیدترین یافته‌های علمی، چاره‌ای جز رجوع به زبان بیگانگان نیست. مراجعه به زبان بیگانه، علاوه بر آسیب‌های گوناگون سیاسی-فرهنگی، مقدمه سلطه و حاکمیت اجانب را فراهم می‌کند که این مسئله با عزت‌مندی انسان که مورد تأکید قرآن است و قاعده نفی سبیل که هرگونه سلطه و استیلای کفار بر مسلمانان را نفی می‌کند منافات دارد: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء: ۱۴۱).

بنابراین «کشور باید به عزت علمی برسد. هدف هم باید مرجعیت علمی باشد در دنیا...؛ یعنی همین‌طور که شما امروز ناچارید برای علم و دستیابی به محصولات علمی به دانشمندان، به کتاب‌هایی مراجعه کنید که مربوط به کشورهای دیگرند، باید به آنجا برسیم که جوینده دانش، طالب علم، مجبور باشد بیاید سراغ شما، سراغ کتاب شما؛ مجبور باشد زبان شما را یاد بگیرد تا بتواند از دانش شما استفاده کند. هدف باید این باشد. این یک آرزوی خام هم نیست. این چیزی است که عملی است. اینجایی هم که ما امروز از لحاظ علمی و فناوری قرار داریم، این هم یک روزی جزو آرزوهای خام به حساب می‌آید» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با استادان و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۲۴) و «کاری کنید که در دنیا دیگران محتاج دانش شما باشند، مجبور باشند زبان شما را یاد بگیرند تا به دانش شما دست پیدا کنند. این کار ممکن است» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۱۷).

## تولید علم و پیشرفت علمی؛ لازمه مرجعیت علمی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت ملی، علم و دانش است. بدون تولید علم و پیشرفت علمی، رسیدن به جایگاه انسان کامل در تراز اسلام حاصل نخواهد شد. هرکس که به شرف و اقتدار امت اسلامی و عزتمندی در زندگی شخص خویش می‌اندیشد، باید برای تولید علم و پیشرفت علمی به‌عنوان زیربنای عزت و استقلال و اقتدار جامعه اسلامی ارزش قائل شود. تولید علم نیازمند توجه به اصل «خودآگاهی» یعنی احساس «باید» و «توانستن» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان دانشگاه علم و صنعت در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۲۴) و مجاهدت است. بر همین اساس، رهبر معظم انقلاب «جهاد علمی» را از مبانی اصول‌گرایی معرفی می‌کند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۹، دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3344>).

تولید علم به‌وسیله انسان‌های صالح و معنوی، باعث ارزش و عزت می‌شود؛ زیرا این علم در خدمت ارزش‌های بشری بوده و نافع است. تولید علم یعنی احیای شعار «ما می‌توانیم» در برابر تلاش عده‌ای که در دهه اول بعد از انقلاب شعار «تو نمی‌توانی» را زنده کردند: «ملتی که از علم و دانش برخوردار بود، فتوحات علمی داشت و توانست در دنیا در علم نوآفرینی کند به‌طور طبیعی دارای اعتماد و عزت نفس خواهد بود. اگر این عزت نفس و این اعتماد به نفس در ملتی پدید آمد، بسیاری از مشکلات او حل خواهد شد؛ کارهای بزرگ می‌کند، خطرپذیری‌ها می‌کند، در میدان‌های دشوار قدم می‌گذارد و کوه‌ها را از جا می‌کند. کلید این کارها علم است» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها در تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۷).

جهش و پیشرفت علمی نیز به اندازه تولید علم اهمیت دارد. رهبر معظم انقلاب ضمن تأکید بر عدم توقف پیشرفت و جهش علمی، پرداختن به علم و پیشبرد آن را مقدمه آقایی و سروری می‌دانند:

«ما جهش علمی را نباید بگذاریم متوقف بشود. کشور اگر به علم بپردازد و علم را پیش ببرد، آقا خواهد شد؛ به معنای واقعی کلمه اَلْعِلْمُ سُلْطَانٌ. اگر قدرت می‌خواهیم، اگر عزت می‌خواهیم، اگر این را می‌خواهیم که ما مرجع مراجعات کشورها و دولت‌ها باشیم، نه اینکه آنها مرجع مراجعات ما باشند، باید علم را تقویت کنیم؛ و این ممکن است و این عملی



است» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۰).

مشخص است که مفهوم پیشرفت علمی مورد نظر مقام معظم رهبری، متوقف ماندن بر آثار ترجمه‌ای دیگران نیست، بلکه منظور تولید دانش و علم بومی است که اقتدارآور و عزت‌آفرین است و تنها راه رسیدن به مرجعیت علمی، عبور از مرزهای دانش موجود و ابتکار، جنبش و جهش علمی و تولید علم است.

آنچه اروپاییان را به نقطه کتونی رساند و توانستند دنیا را به تصرف خود درآورند، اقتدار علمی بود؛ اگرچه آنان این قدرت و سلطه را وام‌دار غفلت و وادادگی کشورهای مسلمانی همچون ایران هستند که با وجود استعدادهای فراوان و پیشینه درخشان در عرصه علم و دانش در سده‌های گذشته، جیره‌خوار خوان علمی دیگران شدند. با تالاف خورشید انقلاب اسلامی و زنده شدن شعار «ما می‌توانیم» و تأکید بر عزت و استقلال ایران و ایرانی، افق‌های روشنی پیش روی علم‌آفرینان گشوده شده و راه برای جبران گذشته‌های تاریک علمی و رسیدن به اوج هموار شده است.

بنابراین پیشرفت علمی و تولید علم، ضرورت و واقعیت و نیاز انکارناپذیر است و به گفته رهبر معظم انقلاب، «ما احتیاج داریم به اینکه از لحاظ علمی پیشرفت کنیم. این نیاز قطعی ماست» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با نخبگان و استعدادهای برتر علمی در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۲۵). وقتی پیشرفت علمی و تولید علم به‌عنوان احتیاج و نیاز ضروری احساس شود، نوع نگاه نخبگان و دانشمندان به این مقوله، نگاهی انقلابی و جهادی خواهد بود؛ زیرا با محاسبات سطحی و نگاه ظاهرینانه، دستیابی به مرجعیت علمی، آرمانی دست‌نیافتنی و ناشدنی است.

پیشرفت علمی به‌مثابه عزت علمی و ملاک تشخیص خودی از غیرخودی است. در نتیجه «آن کسی که عزت این ملت و پیشرفت علمی این ملت را دنبال می‌کند، او خودی است» (بیانات امام خامنه‌ای در مراسم هفدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۱۴، دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3341>).



## مرجعیت زبان فارسی

هیچ زبانی ذاتاً نمی‌تواند زبان علم باشد، بلکه تولید و اکتشاف علم بومی، منجر به بیان دانش نو به زبان قوم کاشف یا خالق آن علم می‌شود و دیگران برای دسترسی به دانش نوین، ناچار از فراگیری زبان خالقان یا کاشفان علم می‌شوند. روی آوردن دیگران به زبان فارسی برای دستیابی به تازه‌های علمی ایرانیان، یک ارزش برای دسترسی به هدفی متعال یعنی عزتمندی انسان ایرانی است.

امروز شعاع نفوذ معنوی و فرهنگی ایران علاوه بر جغرافیای فرهنگی زبان فارسی یعنی کشورهای فارسی‌زبان یا کشورهایی که در گذشته متأثر از سلطهٔ زبان فارسی بوده‌اند، کشورهای محور مقاومت و غرب آسیا و حتی قلب امریکا را نیز در برمی‌گیرد و این فرصتی است تا ضمن ارائهٔ دانش نو ایرانی، فرهنگ ایرانی و اسلامی نیز به این کشورها صادر شود. «خودآگاهی» از گنجایش و ظرفیت زبان فارسی برای تبدیل شدن به زبان علم، اعتماد به نفس دانشمندان و تولیدکنندگان و پیش‌رانان علم و فناوری را به همراه خواهد داشت. دشمنان می‌کوشند زبان فارسی را در بیان مفاهیم علمی سترون و عقیم نشان دهند، درحالی‌که تاریخ زبان فارسی از قابلیت و ظرفیت این زبان به‌عنوان زبان علم خبر می‌دهد. یوسف الحسن می‌گوید:

«زبان فارسی در بیان مفاهیم دین، علوم و معارف و ادبیات اسلامی پس از زبان عربی به‌عنوان اولین زبان علمی در بخش عظیمی از قلمرو گستردهٔ اسلام رواج یافت و شاهکارهایی در زمینهٔ علوم قرآنی، تفسیر، شعر، ادب، بلاغت، عرفان، تاریخ، جغرافیا، فلسفه، پزشکی، علوم ریاضی، نجوم، فقه و اصول و غیره به زبان فارسی تدوین گردید. کرسی زبان و ادب فارسی در بیشتر دانشگاه‌های اسلامی بر لزوم تدوین این زبان به‌عنوان زبان دوم علمی در دانشگاه‌های اسلامی صراحت دارد» (یوسف الحسن، ۱۳۷۵: ۱۵-۱۴).

دکتر محمد معین در مقدمهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا ضمن اشاره به برخی کتاب‌های فارسی از جمله رسالهٔ استخراج محمد بن ایوب طبری (قرن چهارم قمری) و شش فصل از او در نجوم، هدایه المتعلمین یا الهدایه فی الطب از ابوبکر (یا ابوحکیم) ربیع بن احمد اخوینی بخاری (۳۷۲ ق)، رگ‌شناسی ابوعلی سینا (۳۷۳-۴۲۸ ق)، دانشنامهٔ علائی ابن سینا و التفهیم ابوریحان بیرونی، اشاره می‌کند:



ابن سینا با دانشنامه و بیرونی با التفهیم خود نهضتی در ایران پدید آوردند که دامنه تأثیر آن تا عصر حاضر کشیده شده است.

با تألیف این دو کتاب، فرهنگ لغات فارسی غنی تر و ارجمندتر گردید؛ زیرا این دو دانشمند از لغاتی که متداول و رایج بود و نیز از آنچه در بطون کتب مضبوط بود گلچین کرده، در دو اثر جاویدان خود به کار بردند و برای مفاهیمی نیز که لغتی در تداول یا در کتب پیشینیان نیافته بودند لغات رایج را مجازاً به معانی جدید استعمال کردند و در صورت ضرورت ترکیبات و اصطلاحاتی از مفردات پارسی پرداختند و زبان فارسی را تا آنجا که در آن عهد میسر بود شایسته ادای مفاهیم علمی کردند (دهخدا، ۱۳۳۷: ۶۵-۶۶).

زبان فارسی با هویت هر ایرانی پیوند خورده و با وجود فراز و فرودهای تاریخی، برخلاف بسیاری از اقوام و کشورها، در برابر هجوم بیگانگان، بنمایه نهادین خویش را حفظ کرده و از پس قرون متمادی به سلامت گذشته است. بنابراین به لحاظ بار فرهنگی و تمدنی و هویتی که حامل آن است و با توجه به غنا و رسایی ذاتی و نقشی که در پیشرفت دانش و علوم و معارف بشر و گسترش آن داشته، ذاتاً از ارزش معنوی برخوردار است و می تواند با اعتماد به نفس دانشمندان و عالمان خود، دوباره عزت و عظمت و شکوفایی قرن های چهارم تا هفتم را بازیابد.

سیری در پیشینه زبان فارسی نشان می دهد امپراتوری این زبان، روزگاری از کرانه های غربی قسطنطنیه تا سواحل شرقی دریای چین و از سرزمین ماوراءالنهر تا خاک دکن را زیر نگین داشت و پسوندهای نام شاعرانی مثل رودکی سمرقندی، نظامی گنجوی، خاقانی شروانی، سنایی غزنوی، امیرحسین دهلوی، اقبال لاهوری، فیضی دکنی، بیدل دهلوی و مولوی بلخی بیانگر گستره جغرافیای فرهنگی زبان فارسی است.

همچنین ایرانیان پیش از اسلام و پس از آن در زمینه های علمی هم دستاوردهای زیادی داشته اند و برخی اکتشافات و اختراعات مثل پویانمایی یا انیمیشن، ساخت باتری، قنات، چاپارخانه یا پست، یخچال، علم جبر، تدوین نخستین اعلامیه حقوق بشر، اسیدسولفوریک و قطب نما را به این قوم نسبت می دهند (<https://www.yjc.ir/fa/print/7163544>).

با توجه به شرایط زمانی و قدرت نفوذ شعر و ادبیات، بسیاری از مفاهیم علمی در قالب های شعر و ادب نضج می یافت. به عنوان مثال فردوسی در داستان به دنیا آمدن رستم، به آنچه



امروزه به عمل «سزارین» معروف است اشاره می‌کند: «بکافد تَهیگاه سرو سهی» (فردوسی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۵۲)؛ یعنی قرار شد پهلوی رودابه مادر رستم را بشکافند تا رستم به دنیا بیاید. برخی مغرضان اصرار می‌ورزند مؤلفه ادبی را تنها خاصیت زبان فارسی بیان کنند، اما باید اذعان کرد که زبان فارسی ضمن اینکه قالبی برای بیان شعر و ادبیات است، ظرفیت بیان مفاهیم علمی را هم داراست و این مهم با مطالعه تاریخ این زبان به‌عنوان زبان علم مشخص می‌شود. راهکارهای به مرجعیت رساندن زبان فارسی:

۱. تولید علم بومی، جهش علمی، جنبش نرم‌افزاری، تولید علم و پیشرفت علمی؛
۲. اعتقاد به اصل عزت‌بخشی و اقتدارآفرینی علم؛
۳. مجاهدت و انقلاب علمی و احساس مسئولیت؛
۴. خودباوری و اعتمادبه‌نفس و باور داشتن به شعار «ما می‌توانیم»؛
۵. نهراسیدن از حضور در عرصه‌های علمی بزرگ؛
۶. تقویت روحیه امید و پشتکار؛
۷. توجه به استعداد ایرانی؛
۸. پرهیز از غفلت و تبلی؛
۹. میدان دادن به نخبگان علمی؛
۱۰. توجه به پیشینه زبان فارسی به‌عنوان زبان علم؛
۱۱. آموزش زبان علم در مقاطع تحصیلی گوناگون؛
۱۲. تألیف کتاب‌ها و مقاله‌های علمی دارای ارزش ارجاعی بالا به زبان فارسی؛
۱۳. هدفمند کردن پژوهش‌ها در راستای مرجعیت علمی و مرجعیت زبان فارسی؛
۱۴. توجه به ظرفیت نخبگان در تولید علم به زبان فارسی؛
۱۵. توجه به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بالقوه و بالفعل زبان فارسی در عرصه علم و فناوری؛
۱۶. رفع نواقص دستور زبان فارسی برای خلق واژگان و ترکیب‌های علمی نو؛
۱۷. ارتباط مستمر مراکز تولید علم با فرهنگستان زبان و ادب فارسی و نهادهای مشابه که در زمینه گسترش و تقویت زبان فارسی فعالیت می‌کنند؛
۱۸. استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها و جامعه نخبگان (فعال کردن دیپلماسی عمومی) در قلمرو ایران فرهنگی (کشورهای فارسی‌زبان)، کشورهای غرب آسیا، کشورهای محور مقاومت و هر جا که ایران از لحاظ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نفوذ دارد؛



۱۹. پذیرش دانشجویان خارجی با اولویت کشورهای مندرج در بند ۱۸ و ارائه دانش بومی ایرانی به زبان فارسی؛

۲۰. اعزام استادان و دانشجویان علم‌آفرین و متعهد به کشورهای دیگر با لحاظ آموزش دانش بومی ایرانی به زبان فارسی؛

۲۱. خست نوزیدن و افزودن بر ثروت علمی بشر.

### بیانیه گام دوم و چشم‌انداز مرجعیت زبان فارسی

رهبر معظم انقلاب در مطلع بیانیه گام دوم «عزت» را یکی از شعارهای جهانی، فطری و درخشان و همیشه‌زنده انقلاب اسلامی در کنار شعار آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عقلانیت و برادری برمی‌شمارند که هیچ‌گاه دل‌زدگی ایجاد نمی‌کند و دارای چشم‌اندازی مبارک است.

مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید. معظم‌له یکی از برکات انقلاب در عرصه علمی راه‌اندازی «موتور پیش‌ران کشور در عرصه علم و فناوری» می‌دانند: «محصول تلاش چهل‌ساله اکنون برابر چشم ماست: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم،... رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن» (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۷).

بخشی از ثروت عظیم کشور بر مبنای بیانیه گام دوم عبارت‌اند از:

۱. نزدیک به چهارده‌میلیون نفر دارای تحصیلات عالی؛
۲. رتبه دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی؛
۳. انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کردند و آماده تلاش جهادی برای کشورند؛
۴. جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و... اشتغال دارند.

ایشان پس از برشمردن پیشرفت‌ها و داشته‌ها تأکید می‌کنند:

۱. این راه طی شده با همه اهمیتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر؛
۲. ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقیمیم. باید به قله‌ها دست یابیم؛

۳. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم؛  
 ۴. ما از این مرحله (عبور از مرزهای کنونی دانش) هنوز بسیار عقبیم؛  
 ۵. اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم، ولی این شتاب باید سال‌ها با شدت بالا ادامه یابد؛

۶. اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید؛

۷. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به پا خیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما به شدت بیمناک است ناکام سازید.

با کنار هم گذاشتن داشته‌های علمی و پیشرفت‌ها و ترسیم آینده‌ای که پیش روی جامعه علمی است، یعنی راه طولانی رسیدن به قله‌های علم و فناوری، به نظر می‌رسد کلیدواژه‌های اصلی این رهنامه برای رسیدن به مرجعیت زبان فارسی، اعتماد به جوانان، اعتقاد راسخ به اصل بنیادین و انقلابی «ما می‌توانیم» یعنی خودآگاهی و اعتماد به نفس و اعتقاد به اصل عزت اعم از عزت علمی و عزت ملی و تقویت روحیه «امید» است.

از دیدگاه رهبر، مرجعیت زبان فارسی باوری قطعی و حتمی و شدنی است و صرفاً شعار آرمانی و احساسی نیست:

«آن روزی که ملت‌های دنیا، دانشمندان و اندیشمندان عالم احساس کنند به ایران، به زبان ایران، به فرهنگ ایران نیاز دارند برای اینکه گام‌های نویی را در مسائل علمی بردارند، این روز شدنی است؛ امکان‌پذیر است. همچنانی که امروز برای فراگرفتن بسیاری از فنون مورد نیاز بشری، انسان احتیاج دارد زبان فلان کشور و فلان ملت را فرا بگیرد، آن روز مردم دنیا احساس کنند که نیاز دارند زبان شما را بیاموزند؛ فرهنگ شما را بیاموزند. آن روز خواهد آمد و شدنی است. اگر ما همت کنیم و همین تلاشی که امروز مشاهده می‌شود، و همین انگیزه‌ای که امروز بحمدالله دل‌های جوانان ما، اندیشمندان ما، مردم ما مالا مال از آن هست، ان‌شاءالله ادامه پیدا کند، که پیدا هم خواهد کرد، آن روز خیلی دور نخواهد بود» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با نخبگان و فرهیختگان استان فارس در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱۷).





## نتیجه‌گیری

برای دستیابی به تمدن عظیم و نوین اسلامی به‌عنوان عامل عزت و عظمت ایرانیان مسلمان، به مرجعیت رسیدن زبان فارسی، امری شدنی و امکان‌پذیر و اجتناب‌ناپذیر است. همان‌گونه که تمدن اسلامی با زبان عربی جهان را تحت تأثیر خود قرار داد، بنای تمدن نوین اسلامی توسط ایرانیان نیز مجال را برای مرجعیت زبان فارسی فراهم خواهد کرد.

رسیدن به مرجعیت زبانی، یعنی دستیابی به عزت و شرافت و تحقق این مهم، الزاماتی را می‌طلبد که مهم‌ترین آنها رسیدن به مرجعیت علمی و در اختیار گرفتن عنان علم و دانش جهانی است. مرجعیت علمی شرط لازم برای مرجعیت زبان فارسی است که خود شرایط و مقدماتی دارد. توجه به ارزش علم و دانش، آگاهی از درخشش‌های علمی گذشته، خودآگاهی و اعتمادبه‌نفس تولیدکنندگان و جهادگران عرصه علم، عزت علمی و اقتدار علمی، از این شروط است که در بیانیه گام دوم انقلاب نیز بر آنها تأکید شده است.

مراجعه دیگران به زبان فارسی برای دسترسی به یافته‌های نوین علمی، یعنی مرجعیت زبان فارسی و این نقطه مطلوب و آرمان دست‌یافتنی، عامل عزتمندی هر ایرانی مسلمان است. به مرجعیت رسیدن زبان فارسی زمینه نفوذ فرهنگی-سیاسی و صدور آسان‌تر انقلاب اسلامی به جهان را که از اهداف مهم امام راحل عظیم‌الشان(ره) بود فراهم می‌سازد و عدم وابستگی فکری و فرهنگی و عزت و استقلال را به‌ارمغان می‌آورد.

## منابع - کتب

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبهالله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، تحقیق و تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق). عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه، تحقیق و تصحیح مجتبی عراقی، قم، دار سیدالشهداء للنشر.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول 9)، تهران، دنیای دانش.
- تفضلی، احمد (۱۳۸۹). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش دکتر ژاله آموزگار، تهران، انتشارات سخن.
- تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به مردم ایران، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷). لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- روشنای علم (مروری بر بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله العالی) (۱۳۹۰). به کوشش مؤسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
- سعادت، اسماعیل و دیگران (۱۳۸۶). دانشنامه زبان و ادب فارسی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ج ۲.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۰۹ق). منیه المرید، تحقیق و تصحیح رضا مختاری، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۴). شاهنامه، پیرایش جلال خالقی مطلق، تهران، نشر سخن، ج ۱.
- کرمانی، سعید (۱۳۹۱). معنی‌شناسی عقل در قرآن کریم، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- لیبی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ، تحقیق و تصحیح حسین حسینی بیرجندی، قم، دار الحدیث.



- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار: بيروت - لبنان، دار إحياء التراث العربي، ج ۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا.
- یوسف الحسن، احمد و ر. هیل دانالد (۱۳۷۵). تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

- سایت

[www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)

[www.Yjc.ir](http://www.Yjc.ir)

